انترناسیونال ٧٤٢

اصغر کریمی

**طبقه کارگر با گام های استوار به پیش میرود**

طبقه کارگر با گام های استوار به پیش میرود و قدرتمندتر و متشکل تر در مقابل کارفرمایان و دولت اسلامی سرمایه داران قد علم میکند. مبارزات وسیع کارگران و سنت های نوینی که در سالهای اخیر در جنبش کارگری شکل گرفته، طبقه کارگر را در موقعیت کاملا ویژه ای قرار داده است.

**چند نمونه از مبارزات کارگری در سه سال گذشته:**

مارش باشکوه کارگران ایران ترانسفو در کارخانه و انتشار کلیپ های هرروزه از اعتراض ۱۷ روزه در آذرماه ۹۶، فراخوان کارگران آلومینیوم المهدی در هرمزگان به مردم و خانواده های خود در اردیبهشت سال قبل و تجمع چند هزار نفره، طومار ده هزار نفره کارگران نفت و فراخوان به تجمع با خانواده های خود در تهران، تجمع کارگران پتروشیمی در تهران به نمایندگی از طرف ۷۰۰۰ کارگر پتروشیمی در سطح کشور، تجمعات کارگران فولاد و خانواده هایشان در اصفهان و کرمان، اعتصاب قدرتمند کارگران فولاد اهواز، تجمعات مکرر معلمان و بازنشستگان در ابعاد هزاران نفره، راهپیمایی های باشکوه کارگران هپکو و آذرآب و خانواده های آنها در زمستان سال قبل، طغیان کارگران نیشکر هفت تپه در آذر امسال، اعتصاب طولانی و قدرتمند کارگران معدن آهن بافق و تحصن خانواده های آنها در تابستان ۹۳، اعتصابات متحد پتروشیمی های ماهشهر و اعتراضات و اعتصابات هر روزه در مناطقی مانند عسلویه، تنها نمونه هایی از چند هزار اعتصاب و تجمع کارگری در سه سال گذشته است که هر کدام از این موارد پیشروی های تازه و سنت هایی تازه را به همراه داشتند. اینها نمونه های منحصر به فرد نیستند، روندی ثابت در جنبش کارگری را نشان میدهند.

**مولفه های پیشروی:**

اعتصابات از نظر کمی بی وقفه در حال افزایش است، اعتصابات به مراکز کلیدی کشیده شده و اعتصابات طولانی که نشانه بارزی از سازمانیافته تر بودن آنها است بسیار رایج شده است. شعارهای رادیکال، خواست های سراسری، اعتصابات سراسری توسط بخش هایی از کارگران، اشکال تعرضی تر حرکت، حضور رو به گسترش و فعال تر خانواده ها در تجمعات اعتراضی، کشاندن اعتصاب به بیرون کارخانه و مراکز شهرها، استفاده از مدیای اجتماعی، اعتصاب با فراخوان از قبل، و سازمان یافته تر شدن اعتصاب، رسانه ای کردن اعتصاب، کوتاه نیامدن و پافشاری بر خواستها و اعتماد بنفس و رزمندگی ای که در همه این اعتصابات دیده میشود، از جمله مولفه هایی است که در اعتصابات خود را بوضوح نشان میدهد. همه این مولفه ها در حال تحکیم است و مبارزات کارگری بصورتی پایدار و مداوم و با شیبی تند در حال گسترش است. نکات مهم دیگری را نیز باید به این فاکتورها اضافه کرد اما ابتدا اجازه بدهید درمورد برخی از این مولفه ها مکث بیشتری بکنیم.

**جنبش نوین کارگری و سنت های مدرن و تازه:**

صرفنظر از گسترش کمی مبارزات کارگری، کیفیت های تازه ای در جنبش کارگری شروع به نشو و نما کرده که بسیار حائز اهمیت است. حضور خانواده ها در تجمعات اعتراضی سنتی نوین در جنبش کارگری است که میرود تا قدرت عظیمی به مبارزات کارگری بدهد. این پدیده از تحصن خانواده های کارگران معدن بافق در تابستان ۹۳ وارد مرحله تازه ای شد و در طول این سه سال به سنتی جاافتاده و تثبیت شده تبدیل شد. حضور خانواده ها یکی از مهمترین دلایلی است که مبارزات کارگری را از قالب محدود صنفی و کارخانه ای خارج کرده و جنبه ای بسیار اجتماعی به آن داده است. با اینحال علیرغم رشد پیوسته حضور خانواده ها، تنها گوشه کوچکی از این ظرفیت عظیم بکار افتاده است. اما جنبش کارگری در مسیری قرار گرفته و دورنمای اعتراضات کارگری به سمتی میرود که این ظرفیت هرچه بیشتر به کار بیفتد که نه تنها چهره جنبش کارگری را کاملا عوض میکند، بلکه بر کل فضای سیاسی جامعه تاثیرات عمیقی خواهد گذاشت.

استفاده روزافزون از مدیای اجتماعی سنت دیگری است که دارد دگرگونی های مهمی در جنبش کارگری ایجاد میکند. مدیای اجتماعی ابزاری برای خبر رسانی است که تجارب جنبش کارگری را بسرعت همه گیر میکند و‌ مشوق اعتراض در مراکز دیگر میشود. اما علاوه بر این ایجاد شبکه های مختلف در مدیای اجتماعی ابزاری برای بحث و تبادل نظر کارگران، همفکری و تصمیم مشترک شده است، چیزی که در میان بازنشستگان و معلمان قویا جا افتاده است. مدیای اجتماعی همچنین به کارگران کمک کرده تا از قبل فراخوان اعتراض بدهند و با سازمانیافتگی بیشتری دست به اعتراض بزنند، از همفکری و متحد شدن حول خواست ها و زمان اعتصاب و شکل اعتصاب تا همراه کردن خانواده ها، درست کردن پلاکاردها و پوسترهای مختلف و جلب همبستگی جامعه. در این زمینه نیز جنبش کارگری علیرغم پیشرفتی قابل توجه، هنوز گوشه کوچکی از ظرفیتش را بکار انداخته است.

اعتصابات سراسری در میان بخش هایی از جنبش کارگری که در شهرها و مراکز مختلفی پراکنده اند، یکی دیگر از تحولات مهم جنبش کارگری است. نه تنها معلمان و بازنشستگان، بلکه کارگران مخابرات، شهرداری ها، برق، آتش نشانی، نفت، تراورس و برخی رشته های دیگر در سالهای گذشته دست به اعتراض سراسری بشکل اعتصاب و تجمع یا جمع آوری طومار و غیره زده اند و فصل نوینی در اعتصابات و اعتراضات کارگری ایجاد کرده اند. این مبارزات بویژه زمینه را برای تشکل های سراسری کارگران فراهم کرده است.

تاثیر این وضعیت را میتوان آشکارا در شبکه های اجتماعی و در تجمعات اعتراضی، در تقابل گرایش رادیکال علیه گرایش محافظه کار که عمدتا خود را در میان برخی از معلمان و بازنشستگان نشان میدهد، مشاهده کرد. خواست افزایش دستمزد بالای خط فقر، تحصیل رایگان، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به امنیتی کردن اعتراضات، مقابله با شعارهای اصلاح طلبانه و یا مذهبی در جریان برخی اعتراضات، شعارهای تند و کوبنده علیه ارگانها و مقامات حکومتی که هر روز بیشتر دست بالا پیدا میکند، و حق خواهی عمیقی که در میان کارگران دیده میشود، روند دست بالا پیدا کردن گرایش رادیکال را بخوبی نشان میدهد. تبدیل شدن این خواست ها به خواست های سراسری بخش هایی از کارگران حاصل کشمکشی چند ساله است که امروز به خواست هایی تثبیت شده تبدیل شده است. این خواست ها در عین حال خواست های کل جامعه است و طبقه کارگر و رهبران شناخته شده و تشکل های کارگری را عملا به پرچمداران مطالبات عمومی مردم تبدیل کرده است. این دستاوردی بزرگ برای طبقه کارگر و کل جامعه است.

در کوران این مبارزات آگاهی سیاسی و طبقاتی کارگران بطور محسوسی بالا رفته است. نقد سوسیالیستی جامعه در میان آنها عمیق تر شده و گرایش رادیکال و سوسیالیستی وسیعا گسترش یافته است. رهبران کارگری بیشماری در جریان اعتصابات سال های گذشته سر برآورده اند که نقش مهمی نه تنها در تقویت مبارزات روزمره کارگران، بلکه همچنین در آگاه کردن و سازمان دادن کارگران، در به حرکت درآوردن خانواده ها،‌ در شکل دادن به شبکه های مختلف در مدیای اجتماعی و غیره دارند و هویت تازه ای به جنبش کارگری داده اند. حال و هوای جنبش دانشجویی، بیانیه ها و شعارهای آنان و همبستگی طبقاتی آنان با جنبش کارگری بخشی از این فضا است. همینطور باید به جنبش وسیع انسانی و همبستگی با زلزله زدگان غرب کشور و یا همبستگی سراسری با آتش نشانان در جریان آتش سوزی پلاسکو اشاره کرد. بر متن این شرایط است که روی آوری به سیاست و حزب سیاسی مورد توجه بیشتری در میان رهبران و فعالین کارگری قرار گرفته و نفوذ حزب کمونیست کارگری در حال گسترش است. و این فاکتور تعیین کننده ای در تبدیل شدن طبقه کارگر به پرچمدار رهایی کل جامعه است، در عین حال که امروز تاثیرات عمیق خود را بر مبارزات روزمره کارگران، بر خواست ها و شعارهای آنان و مقابله با گرایش راست و محافظه کار باقی گذاشته و باقی میگذارد.

اینها مشخصات جنبش نوین کارگری است که با جنبش کارگری در دهه های قبل تفاوت اساسی دارد. امروز به جرات میتوان گفت گرایش سوسیالیستی به گرایشی غالب در اعتراضات تبدیل شده، بسیار اجتماعی عمل میکند و نیروی انسانی قابل توجهی حول آن در جنبش کارگری پرورش یافته است. دستاوردی که با هیچ درجه سرکوبی قابل بازپس گیری نیست. طبقه کارگر به دلیل بیحقوقی و سرکوب بیرحمانه در حکومت های پهلوی و اسلامی، قادر به شکل دادن به تشکل های توده ای خود نشده، سنت تحزب در آن ضعیف بوده و به این دلیل سنتا جنبشی توسعه نیافته و قوام نگرفته بوده است، اما در دهه اخیر طبقه کارگر قدم های بزرگی به جلو برداشته و شروع به رفع ضعف های تاریخی خود کرده و اعتماد بنفس بیشتری پیدا کرده است.

**دورنمای جنبش کارگری:**

هرچند مشخصاتی که گفته شد امروز بعنوان کیفیتی تازه در جنبش کارگری تثبیت شده و جنبش کارگری وزن سیاسی ویژه ای در جامعه پیدا کرده است، اما طبقه کارگر هنوز گام های اولیه را برمیدارد. پتانسیل عظیم جنبش کارگری هنوز آزاد نشده است. روی آوری به ایجاد تشکل های کارگری و شکل گیری جنبش تشکل یابی در مراحل اولیه خود میباشد، مدیای اجتماعی همچنانکه گفته شد باید تحولاتی زیر و رو کننده بر جنبش کارگری ایجاد کند، خانواده های کارگری هنوز یک صدم ظرفیت خود را در مبارزات روزمره و تجمعات و بویژه در زمینه تشکل و حضور در سطح رهبری این جنبش ایفا نکرده اند، روی آوری به حزب سیاسی طبقه کارگر بویژه باید به رویکردی توده ای تبدیل شود. بحران عمیق و هر روز عمیق شونده اقتصادی و سیاسی در ایران و تعرض هرروزه به زندگی کارگران، طبقه کارگر را به رویارویی های مهمتر و اساسی تری سوق میدهد و طبقه کارگر باید با آمادگی بیشتری به استقبال این شرایط برود. و اکنون که به یمن فضای اعتراضی وسیع در جامعه و قبل از هرچیز بدلیل مبارزات گسترده طبقه کارگر، توازن قوای مساعدتری برای پیشروی شکل گرفته است، طبقه کارگر باید همه ظرفیت خود را بکار اندازد. رهبران و فعالین کارگری و کارگران کمونیست که در خط مقدم این مبارزه اند باید با تعجیل بیشتری برای رفع ضعف های تاریخی جنبش کارگری قدم جلو بگذارند. طبقه کارگر در ایران یک طبقه بزرگ دهها میلیونی و قدرتمند است که در صورت غلبه بر این ضعف ها قادر است، انقلاب عظیمی را برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار مردم،‌ برای پایان دادن به سلطه سرمایه و مذهب و هر نوع عقب ماندگی و شکل دادن به جامعه ای انسانی و سوسیالیستی که میتواند الگویی برای بشریت در سطح منطقه و جهان باشد، سازمان دهد. در چنین شرایطی حزب کمونیست کارگری، هم موقعیت ویژه ای دارد و هم، باید با تعجیل بیشتری برای خیزبرداشتن و تبدیل شدن به حزبی پر نفوذ و توده ای خود را آماده رهبری طبقه کارگر و رهبری انقلابی که در پیش است، نماید.